


ملاحظات نظری و عملی نظام‌پردازی در روابط بین‌الملل اسلامی

محمد ملک‌زاده / استادیار گروه سیاست پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

malekzadeh1350@gmail.com

 orcid.org/0000-0001-5629-793X

دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴

چکیده

نظام روابط بین‌الملل اسلامی مجموعه‌ای نظام‌مند، متشکل از مبانی بینشی، هنجاری و الگوهای رفتاری در روابط متقابل واحدهای حکومتی، نهادهای غیردولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملت‌ها و کشورهای جهان است که از مبانی دینی اسلام استنباط می‌شود. نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی را می‌توان ذیل نظام‌های مختلف، از کلان‌نظام گرفته تا خرده‌نظام، دسته‌بندی کرد. نظام‌های یادشده، هر کدام در بخش‌های مختلف روابط بین‌الملل، اعم از نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل تعریف‌اند. هدف از انجام تحقیق پیش رو، بررسی چپستی و چرایی نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی و برخی ملاحظات نظری و عملی درباره آن است. براساس یافته‌های این پژوهش، نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی مستلزم رعایت اقتضات دینی در سه عرصه حاکمیت، حکومت و حکمرانی جهانی است. این اقتضات در خلال پاسخ به مسائل یادشده با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی کاربردی جهت کشف نظام روابط بین‌الملل اسلامی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این تحقیق، همچنین به بررسی مبانی معرفتی دین اسلام و قواعد مربوط به آن در نحوه تعامل با ملت‌ها و روابط با کشورهای مختلف جهان در چهارچوب نظام روابط بین‌الملل اسلامی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: اندیشه اسلامی، روابط بین‌الملل، نظام اسلامی، نظام‌پردازی، نظام معرفتی اسلام.

مطالعه تاریخ اسلام میزان توجه نظام اسلامی به روابط بین‌الملل و هنجارهای حاکم بر آن را در قالب مجموعه‌ای نظام‌مند به‌خوبی نمایان می‌سازد. پیامبر اکرم ﷺ از ابتدای تأسیس حکومت اسلامی به برقراری ارتباطات بین‌المللی اهتمام خاصی داشت و بر پیروی از اصول معینی در سیاست بین‌المللی، که برگرفته از تعالیم الهی بود، تأکید می‌ورزید. ارسال نامه‌ها و سفیران به زمامداران آن عصر، به‌ویژه امپراتوران روم و ایران، از توجه آن حضرت به مسائل مربوط به روابط بین‌الملل در چهارچوب آموزه‌های جهانی اسلام حکایت دارد.

همان‌گونه که حاکمیت و حکومت در درون مرزهای جغرافیایی یک کشور مستلزم نظام‌مندی در سطوح مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و سایر عرصه‌های حیات اجتماعی است، شناخت دقیق مسائل حوزه روابط بین‌الملل و نوع حاکمیت در آن نیز فارغ از نظام‌مندی عرصه‌های مختلف این حوزه و تأسیس ساختارها، نهادها و الگوهای متناسب با اهداف پیش‌بینی‌شده در سطوح بین‌المللی و جهانی، امکان‌پذیر نیست. نظام روابط بین‌الملل اسلامی مشتمل بر حوزه‌های مطالعاتی گوناگونی در نظام‌واره‌های مختلف جهان بشری - متناسب با نظام معرفتی اسلام و متمایز از نظام‌های غیراسلامی - است.

پژوهش حاضر درصدد بررسی مسئله نظام‌پردازی در روابط بین‌الملل در چهارچوب نظام معرفتی اسلام است. در بررسی این مسئله، فرضیه تحقیق این پژوهش بر این گزاره شکل گرفته است که نظام روابط بین‌الملل در اندیشه اسلامی به‌عنوان بخشی از نظام معرفتی اسلام دارای چهارچوبی نظام‌مند و با ضوابطی معین در نظام اسلامی است. این ضوابط در حوزه روابط بین‌الملل، نحوه تعامل با ملت‌ها و کشورهای جهان - اعم از اسلامی یا غیراسلامی - را براساس مبانی دین اسلام و قواعد آن مشخص می‌سازد.

نگارنده در مقاله پیش رو همچنین تلاش می‌کند که با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکردی پژوهشی - کاربردی به چهار مسئله درباره ماهیت و چیستی، چرایی و نیز برخی ملاحظات پیرامون مسائل نظری و عملی نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی پاسخ دهد.

۱. تبیین مفاهیم

موضوع نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل، مانند بسیاری دیگر از موضوعات تحقیقی، مستلزم تعریف مفهومی برخی واژگان مرتبط با این موضوع است.

۱-۱. نظام

از «نظام»، تعاریف گوناگونی در لغت ارائه شده است. این واژه به نخی تعریف شده است که با آن اشیای پراکنده را به نظم می‌کشند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۶۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۴۴۳؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۱۲). معادل امروزی نظام در ادبیات علمی، واژه «سیستم» (System) است. واژه نظام یا سیستم در اصطلاح نیز تعاریف متعددی دارد. در این تعاریف که شامل یک نظام معرفتی یا غیر آن است، غالباً بر موضوع «روابط» میان یک مجموعه معین تأکید شده است. از جمله می‌توان به تعاریف زیر در مورد نظام اشاره کرد:

الف) بر اساس تعریف دیکشنری وبستر، «نظام» شامل مجموعه‌ای پیچیده و سازمان‌یافته است که از روابط تعاملی موجود بین عناصر، کنش‌ها یا اشخاص تشکیل می‌شود و این اجزا بر یکدیگر به‌طور پویا اثر می‌گذارند و برای به‌انجام رساندن کار یا دست یافتن به هدفی خاص سازمان یافته‌اند (دیکشنری وبستر، قابل دسترس در: <https://www.yourdictionary.com/system/websters>):

ب) بر اساس تعریف دیکشنری کمبریج، «نظام» مجموعه‌ای پیچیده و سازمان‌یافته از اجزای به‌هم‌وابسته است که در راه نیل به هدف‌های معینی با یکدیگر هماهنگی دارند (دیکشنری کمبریج، قابل دسترس در: <https://dictionary.cambridge.org/pl/dictionary/english/system>):

ج) هر مجموعه از عناصر که بتواند به‌نحوی به‌طور متداخل با یکدیگر عمل کند، می‌تواند به‌صورت یک سیستم نگریسته شود. کهکشان‌ها، تیم‌های فوتبال، قوهٔ مقننه و احزاب سیاسی، هر کدام یک سیستم‌اند (ر.ک: دال، ۱۳۶۴):

د) «نظام» یک مجموعهٔ معرفتی از مفاهیم و گزاره‌های حاکی از واقعیت هستی‌آدمی است و حضور فعال فکری و عملی انسان را در صحنهٔ زندگی تأمین می‌کند (ر.ک: تیلیش، ۱۳۸۱).

از مجموعهٔ تعریف‌های یادشده دربارهٔ نظام یا سیستم می‌توان به چند عنصر مفهومی مشترک در میان آنها اشاره کرد که شامل «تکثر اجزای یک مجموعه»، «ارتباط مستمر میان اجزا و پویایی ارتباط» و «وجود هدفمندی و هماهنگی متقابل در روابط و اجزا» است؛ به‌گونه‌ای که وجود هر جزء برای بقای کل ضروری است و اختلال در این رابطه موجب اختلال در کل خواهد شد (وست چرچمن، ۱۳۶۹، ص ۵۰). همچنین در تقسیم‌بندی نظام‌ها می‌توان آنها را به دو نوع طبیعی (نظام خارج از ارادهٔ انسان) و غیرطبیعی (نظام انسان‌ساخت) تقسیم کرد. نظام غیرطبیعی یا انسان‌ساخت انواع گوناگونی از نظام‌های مکانیکی، فرهنگی، اجتماعی و... را شامل می‌شود.

۱-۲. تفاوت نظام با الگو

«الگو» در لغت به طرح، مدل و نمونه تعریف شده است (ر.ک: دهخدا، معین و عمید، ذیل واژهٔ الگو). برخی در زمینهٔ تبیین تفاوت مفهوم نظام با الگو، بر «وحدت و ثبات‌پذیری» نظام و «بی‌ثباتی و تکثر» الگو تأکید می‌ورزند:

الگو در جایگاه تحقق نظام است، نه خود نظام. اداره‌ها و نهادها نیز براساس آن نمونه‌ها و الگوها پیاده می‌شوند. تکنیک‌ها و شیوه‌های اجرایی نیز مطابق ابزارها و نهادها به‌وجود می‌آیند. بنابراین مهم‌ترین تفاوت این موارد با نظام در این است که برخلاف نظام که مهم‌ترین ویژگی آن ثبات است، این امور متغیر و گوناگون هستند؛ لذا اینها جزو ذات نظام نیستند. بر این اساس، بین نظام و الگو می‌توان این‌گونه تفکیک قائل شد که در نظام، تکثر وجود نداشته و نظام واحد است؛ برخلاف الگوها که برحسب شرایط، ممکن است تغییر کنند (رشاد، ۱۳۹۹، ص ۱۲).

چنین تفاوتی را شاید بتوان در خصوص نظام اسلامی در مقایسه با نظام‌های غیراسلامی پذیرفت و ادعا کرد که نظام اسلامی یک نظام واحد با مبانی و ویژگی‌های اساسی ثابت با وجود الگوهای متعدد است، اما این ادعا در خصوص مطلق نظام‌ها به‌نظر قابل اثبات نیست.

۱-۳. روابط بین‌الملل

روابط بین‌الملل در علم سیاست به مجموعه اقدامات و کنش‌های متقابل واحدهای حکومتی و نهادهای غیردولتی و همچنین روندهای سیاسی میان ملت‌ها اطلاق می‌شود (ر.ک: بوزان و لیتل، ۲۰۰۰). براساس این تعریف، روابط

بین‌الملل را می‌توان به روابط موجود میان ملت‌ها، دولت‌ها، حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اطلاق کرد که در بردارنده تمامی دادوستدها و تعاملات - اعم از روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی - بین واحدهای سیاسی (دولت‌ها) و سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و مؤسسات غیردولتی است. این روابط به‌طور مشخص می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

الف) روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی جهان؛
 ب) روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی بین سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های ملل متحد و سازمان‌های وابسته به آن و سایر سازمان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی جهان؛ و به‌طور کلی روابط و همکاری‌های متقابل بین تمام بازیگران صحنه بین‌المللی، اعم از دولتی یا گروه‌های اجتماعی.

۱-۴. روابط بین‌الملل اسلامی

با توجه به عدم رواج اصطلاح روابط بین‌الملل اسلامی در منابع دینی مسلمانان و جدید بودن این حوزه معرفتی، تبیین ماهیت این اصطلاح نیز دارای پیچیدگی‌های خاص خود است؛ تا آنجا که حتی برخی را به انکار چنین اصطلاحی در اسلام واداشته است. از این‌رو بررسی مبادی و مبانی این حوزه معرفتی جدید و تبیین شاخه‌های امروزی آن می‌تواند به رفع ابهام‌ها کمک کند و جایگاه این موضوع مهم در اندیشه سیاسی اسلام را روشن‌تر سازد.

برای فهم دقیق‌تر ماهیت روابط بین‌الملل اسلامی آن را می‌توان در مقایسه با مکاتب غیراسلامی شناخت. براساس فلسفه اسلامی، خیر و شر در روابط بین‌الملل در کنار یکدیگر قرار دارند و به‌طور کل در نظام آفرینش و هستی همواره جلوه‌ای از خیر و شر حاکم بوده‌اند. این در حالی است که از نگاه فلاسفه اسلامی، اگرچه شرها و بدی‌ها در کنار خیرها و خوبی‌ها در نظام هستی - و نه در هدف و غایت خلقت - وجود دارند، اما در نظام آفرینش، شر مطلق منتفی است (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۱۲۵). با وجود مجموعه‌ای از خیر و شر در نظام هستی از یک‌سو و منتفی بودن شر مطلق در رویکرد اسلامی از سوی دیگر، می‌توان در نظام روابط بین‌الملل اسلامی خیرها و ارزش‌ها را تقویت کرد.

از نگاه بسیاری از اندیشمندان روابط بین‌الملل، روند روبه‌رشد جایگاه دین در سیاست بین‌الملل در آینده نیز تداوم خواهد یافت و به تضعیف بیشتر سکولاریسم در جهان خواهد انجامید. یورگن مایر با ارائه پتچ سناریو برای آینده دین و سیاست در جهان، «معالجه سیاست به‌وسیله دین» را پیش‌بینی می‌کند. او با اشاره به فساد اخلاقی دولت‌های مدرن و خلأ معنویت، از تعدیل سکولاریسم به‌وسیله دین و ارزش‌های آن سخن می‌گوید؛ زیرا از دیدگاه وی، برای نزدیک‌تر کردن دین و سیاست خطرات کمتری وجود دارد تا اینکه وضعیت فعلی در مورد سکولاریسم باقی بماند (هانسون، ۱۳۸۹، ص ۳۷۰).

بدین ترتیب طی سال‌های اخیر، اسلام‌گرایی به‌عنوان یک حرکت تأثیرگذار و قدرتمند در روند تحولات بین‌المللی نقش داشته است. در این میان، گرچه برخی گروه‌های تندرو و رادیکال نیز در جهان اسلام نمایان شده‌اند، اما نمی‌توان این گروه‌ها را در قالب اسلام سیاسی تجزیه و تحلیل کرد؛ زیرا اسلام سیاسی به جریان غیرخشونت‌آمیزی اطلاق می‌شود که خواهان شکل‌گیری نظام داخلی و بین‌المللی با توجه به ارزش‌های دینی - اسلامی و به‌شیوه مسالمت‌آمیز است (جانز و لاهود، ۱۳۸۹، ص ۴۸-۴۴).

بر این اساس، روابط بین‌الملل اسلامی را می‌توان به مجموعه‌ای از هنجارها و الگوهای رفتاری و عملی در روابط متقابل میان ملت‌ها، دولت‌ها، حکومت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی - اعم از اسلامی یا غیراسلامی - اطلاق کرد که از کتاب و سنت پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ و عقل استنباط می‌شود.

۲. پیشینه

با آنکه همواره بخش عمده‌ای از بازیگران نظام بین‌الملل پیروان ادیان الهی بوده‌اند و دین همیشه در طول تاریخ حیات بشری از عوامل تأثیرگذار بر زندگی بشر، چه در سطح فردی و داخلی و چه در سطح بین‌المللی، بوده است، اما روابط بین‌الملل متکی به مبانی دینی در قالب یک مجموعه نظام‌مند در عرصه جهانی، سابقه چندانی در ادبیات دینی مسلمانان یا سایر ادیان آسمانی ندارد.

به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران و رشد فرایند جهانی شدن، پارادایم جدیدی در روابط بین‌الملل بر محوریت دین و معناگرایی در نظام بین‌الملل شکل گرفت که در آن، دین و معنویت در معادلات نظام جهانی و ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی زندگی بشری جایگاه ویژه‌ای یافت (هانسون، ۱۳۸۹، ص ۳۲-۳۶). آثار پیروزی انقلاب اسلامی ایران که با تکیه بر ارزش‌های اسلامی خواستار ایجاد شکل جدیدی از روابط میان ملل در جهان بود، به‌سرعت کشورها و گروه‌های اسلامی را در منطقه و جهان با تفکر بازگشت به اسلام ناب تحت تأثیر قرار داد (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹، ص ۲۶۲). در این دوره، حضور پررنگ دین در عرصه نظام بین‌الملل باعث شد که ابعاد مختلف این موضوع مورد مطالعه دقیق‌تر اندیشمندان و صاحب‌نظران در مراکز علمی و تحقیقاتی جهان قرار گیرد و رویکردها به نظام روابط بین‌الملل تحت تأثیر پارامترهای اسلامی تغییر یابد (جانز و لاهود، ۱۳۸۹، ص ۱۶). در این دوره تاریخی، اسلام سیاسی به عامل تأثیرگذار و مهمی در عرصه روابط بین‌الملل تبدیل شده و جایگاه خود را در حوزه سیاست بین‌الملل پیدا کرده است. امروزه موضوعات مهم حقوقی و سیاسی در رویکرد اسلامی، از جمله حقوق بشر اسلامی، نقش و جایگاه زنان، ماهیت تروریسم و... در سیاست بین‌الملل و در تقابل با دیدگاه غرب و مکاتب غیردینی مطرح شده‌اند (سیمبر و قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹، ص ۳۱). موضوعات یادشده هر کدام می‌تواند در مسئله نظام‌پردازی در روابط بین‌الملل اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

در زمینه پیشینه تحقیق نیز گفتنی است، با توجه به جدید بودن موضوع نظام‌پردازی در عرصه مطالعات سیاسی اسلام، به‌ویژه در حوزه روابط بین‌الملل، و از آنجاکه هنوز تبیین جامع، کامل و کافی درباره نظام روابط بین‌الملل در اندیشه سیاسی اسلام انجام نشده است، این موضوع را در مجموع می‌توان فاقد پیشینه تحقیقی و بدیع به‌شمار آورد.

۳. چپستی نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی

نظام اسلامی رویکرد مشخصی به ماهیت روابط بین‌الملل و نحوه تعامل با کشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی دارد که با سایر مکاتب و جریان‌های مادی‌گرا در این عرصه متفاوت است. رویکرد اسلامی به نظام روابط بین‌الملل رویکردی هنجاری و ارزشی است و در کنار توجه به نظم و مسائل مادی، به مسائل ارزشی و معنویات در راستای

تحقق روابط بین‌المللِ مطلوب توجه ویژه‌ای دارد. در چهارچوب این رویکرد، امکان شکل‌گیری یک جامعه جهانی براساس ارزش‌ها، مصالح و منافع مشترک بشری تحت حاکمیت واحد الهی وجود دارد که در قالب نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل دست‌یافتنی خواهد بود.

نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل را می‌توان در قالب چهار بخش کلان‌نظام، میان‌نظام، خرده‌نظام و زیرنظام دسته‌بندی کرد (تصویر شماره ۱). در این پژوهش، کلان‌نظام در محدوده نظام فراگیر جهانی تعریف می‌شود؛ میان‌نظام در چهارچوب مرزهای ملی یا نهادهای بین‌المللی است؛ خرده‌نظام و زیرنظام نیز ذیل میان‌نظام قرار می‌گیرند. نظام‌های یادشده هر کدام در بخش‌های مختلف نظام دینی و اعتقادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قابل تعریف‌اند و می‌توانند در عرصه روابط بین‌الملل نقش مؤثری داشته باشند.

تصویر ۱. طبقه‌بندی نظام‌ها در روابط بین‌الملل



۴. چرایی نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی

نظام معرفتی اسلام در فرایند انقلاب اسلامی ابعاد گسترده‌تری یافته و انتظارات جهانی برای پاسخگویی به نیازهای بشری، به‌ویژه نیازهای جوامع اسلامی، و چگونگی تعامل نظام اسلامی با جهان خارج را دوجندان کرده است. در این میان، نظام روابط بین‌الملل به‌عنوان بخشی از نظام معرفتی اسلام نیازمند شناخت دقیق و آگاهی از خرده‌نظام‌های مرتبط با آن در ساحت بین‌المللی است. در بررسی چرایی نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی، اجمالاً به دلایل زیر می‌توان اشاره کرد:

۴-۱. فراگیری و جهان‌شمولی نظام اسلامی

اسلام به‌عنوان یک دین جهان‌شمول، فراگیر و همگانی، به یک قوم و نژاد، منطقه، زمان و مکانی معین اختصاص ندارد. در قرآن کریم مکتب اسلام یک آیین بزرگ انسانی معرفی شده که توسط پیامبر اسلام ﷺ به‌عنوان آخرین فرستاده الهی، برای هدایت بشریت و سعادت تمام انسان‌ها آمده است (یونس: ۵۷؛ سبأ: ۲۸؛ اعراف: ۱۵۸؛ فرقان: ۱؛ ص: ۸۷). سیره سیاسی رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که از مهم‌ترین اولویت‌های سیاسی دولت اسلامی، ایجاد ارتباط با دولت‌ها و ملت‌های مختلف برای پدید آوردن دنیایی بدون‌دور از شرک و ظلم و ایجاد جامعه‌ای الهی در سایه عدالت بود (احمدی میانجی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۳۱۵-۵۰۸). از این رو نظام سیاسی اسلام، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی، یک بخش مهم در برنامه‌های راهبردی و راهبردهای عملی اسلام به‌شمار می‌آید. بر همین اساس، بسیاری

از اندیشمندان جهان تمایل عمومی پیروان دیگر ادیان الهی برای تدوین نظام سیاسی - حقوقی در روابط بین‌الملل در دوره جدید را تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی و عملکرد مسلمانان دانسته‌اند. مارسل بوآزار با اشاره به نقش اسلام در چگونگی تعاملات بین‌المللی در دوره معاصر می‌گوید:

دیدگاه جهانی اسلام با دو امتیاز نیرومند درخشش ویژه‌ای داشت: یکی ایمان به خدا و دیگری انکار هرگونه برتری نژادی و قومی و تأکید بر برابری انسان‌ها... هیچ دیانتی به اندازه اسلام به بشر شخصیت نداده است... رفتار پیامبر با اقوام یهود و نصارا برادرانه بوده است... اسلام در صدد ساختن جهانی است که همه انسان‌ها با تفاهم و همکاری، برادری و برابری زندگی کنند (بوآزار، ۱۳۶۹، ص ۲۰۲-۲۰۴).

۴-۲. گسترش دامنه تحقیقات در علوم اسلامی

تحقیق و پژوهش درباره نظام روابط بین‌الملل اسلامی یکی از جلوه‌های تولید علم در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی است که به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و با پررنگ‌تر شدن نقش دین در عرصه جوامع بشری ضرورت اهتمام به آن مقوله نیز افزایش یافته است. در این برهه تاریخی ضروری است که چه شم‌انداز کلان مراکز و پژوهشگاه‌های علمی و تحقیقات محققان اسلامی، در مسیر تولید علوم اسلامی در شاخه‌های مختلف آن - به‌ویژه حوزه سیاست و روابط بین‌الملل - قرار گیرد.

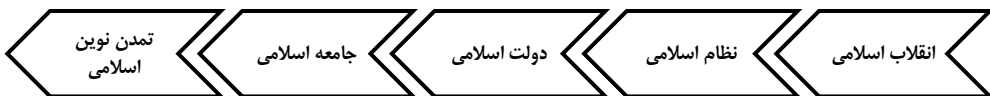
۴-۳. فقدان آثار علمی مناسب

در تحقیقات علمی همواره از مهم‌ترین دلایلی که ضرورت انجام یک پژوهش را نشان می‌دهد، کافی نبودن آثار علمی مناسب در موضوع پژوهش است. به‌رغم اهمیت شناخت اندیشه سیاسی اسلام درباره روابط بین‌الملل، تاکنون تحقیقات جامع و کاملی در این عرصه که نیاز محققان را برطرف کند، انجام نگرفته است. گرچه تحقیقات چندی درباره روابط بین‌الملل در اندیشه اسلامی انجام شده، اما همچنان خلاً آثار مناسب در خصوص نظام روابط بین‌الملل اسلامی و نظام‌پردازی در این زمینه به‌چشم می‌خورد.

۴-۴. حرکت در مسیر تکاملی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی یک پدیده تاریخی متوقف در وقایع منتهی به ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ ایران نیست، بلکه پیروزی این نهضت نقطه آغاز یک حرکت تکاملی به‌سمت شکل‌گیری تمدن بزرگ اسلامی، به‌عنوان مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی است. نظام‌سازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی یکی از لوازم برای رسیدن به این هدف اساسی در فرایند تکاملی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مراحل تحقق تمدن نوین اسلامی شامل پنج مرحله است که در تصویر شماره ۲ نشان داده شده است.

تصویر ۲. مراحل تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای



تأسیس نظام اسلامی در فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند شکل‌گیری خرده‌نظام‌های مرتبط در عرصه‌های مختلف، از جمله در حوزه روابط بین‌الملل، و ایجاد ساختاری نظام‌مند در تعامل نظام اسلامی با جهان خارج است.

۴-۵. نظام‌مند کردن آموزه‌های سیاسی اسلام در عرصه روابط بین‌الملل

از دیگر ضرورت‌های انجام پژوهش در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی، نظام‌مند کردن آموزه‌های سیاسی اسلام در عرصه روابط بین‌الملل، لزوم پاسخگویی به نیازهای عصر کنونی در عرصه روابط بین‌الملل، و برنامه‌ریزی برای ارتقای اخلاقی و معنوی جوامع بشری است.

دلایل و ضرورت‌های یادشده، نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی را در اولویت پژوهشی این عصر قرار داده است، اما در این مسیر باید به مشکلات فراروی تحقیقات در این عرصه نیز توجه داشت. آموزه‌های اسلامی در خصوص روابط بین‌الملل، اگرچه بسیار غنی است، اما عدم تبویب و دسته‌بندی منابع این حوزه و نیز کمبود سوابق تحقیقی در این عرصه، کار پژوهش را با دشواری همراه کرده که نیازمند صرف زمان و تلاش دوچندان محققان در این زمینه است.

۵. ملاحظات نظری نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی

نظام‌پردازی و تدوین مراحل تحقق نظام روابط بین‌الملل، ابتدا مستلزم تعیین جایگاه بحث در عرصه‌های نظری است. در این زمینه سه دیدگاه قابل بررسی است:

۵-۱. فقدان نظام روابط بین‌الملل اسلامی

براساس یک دیدگاه، در اسلام نظام یا نظام‌های مرتبط با روابط بین‌الملل با چهارچوب و ضوابط معین و ویژگی‌های خاص و ثابت برای روابط میان ملت‌ها وجود ندارد و اساساً برخی معتقدند که شأن شارع نیز ساخت نظامی ثابت برای تعاملات بشری در ازمنه مختلف نیست. براساس این دیدگاه، در اندیشه اسلامی فقط مجموعه‌ای از شرایط و مبانی ثابت در کنار احکام متغیر تعیین شده است و در هر عصری بشر باید خود براساس آن مبانی و اصول ثابت در منابع معرفتی اسلام و با استفاده از عناصر متغیر، نظام روابط بین‌الملل و خرده‌نظام‌های مربوط به آن را متناسب با شرایط زمان و مکان موجود و به اقتضای عرف و تجربه عقلای عالم بسازد. براساس این دیدگاه، کلان‌نظام یا خرده‌نظام‌های موجود در روابط بین‌الملل دارای احکام امضایی یا تأییدی هستند؛ یعنی آنها اموری ساخته‌شده از سوی شارع نیستند، بلکه در میان عقلا و اهل عرف وجود دارند و توسط بشر در دوره‌های مختلف ساخته می‌شوند و شارع نیز آنها را با توجه به مصالحی که برای انسان‌ها دارند، بی‌کم‌وکاست یا غالباً با افزودن شرایطی امضا یا تأیید کرده است.

۵-۲. وجود نظام روابط بین‌الملل اسلامی

براساس دیدگاه دیگر، در متن شریعت اسلام نظام یا نظامات روابط بین‌الملل با چهارچوب و ضوابط معین و ویژگی‌های خاص و ثابت وجود دارد و قانون‌گذار اسلام چهارچوب آن را - مانند غالب احکام عبادات و بسیاری از احکام مربوط به حلال و حرام - از قبل معین کرده است. در این صورت، مسلمانان در هر عصری نظام روابط بین‌الملل اسلامی را نمی‌سازند؛ فقط آن را با رجوع به کتاب و سنت کشف می‌کنند. بنابراین براساس این دیدگاه، نظامات روابط بین‌الملل اسلامی اموری تأسیسی و ساخته‌شده از سوی شارع‌اند که باید آنها را کشف و در هر دوره با اجتهاد از منابع معرفتی اسلام، موجه‌سازی کرد.

۵-۳. پردازش و به‌روزرسانی نظام روابط بین‌الملل مطابق معیارهای اسلامی

دیدگاه سوم که مورد پذیرش مقاله پیش روست، به‌گونه‌ای تلاش می‌کند دو دیدگاه قائل به وجود یا عدم نظام روابط بین‌الملل اسلامی را با یکدیگر جمع کند. این دیدگاه معتقد است که نظام روابط بین‌الملل در اسلام مجموعه‌ای با احکام امضایی و تأسیسی مطابق اقتضائات هر عصر است.

براساس دیدگاه برگزیده این تحقیق، گرچه یک نظام یا نظامات کاملاً ثابت و تغییرناپذیر در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی وجود ندارد، اما اسلام احکاماتی در حوزه روابط بین‌الملل و شیوه تعامل ملتها با یکدیگر معین کرده و درعین حال شیوه ساخت الگوهای متفاوت نظام روابط بین‌الملل اسلامی را به بنای عقلای عالم در هر دوره واگذار نموده است تا به‌حسب اقتضای عقل و تجربه خود آن را بنا گذارند. در این صورت، نظام روابط بین‌الملل در اندیشه اسلامی در عین آنکه دارای برخی احکام ثابت، فراگیر و تغییرناپذیر در طول ازمانه مختلف است، بخشی از آن نیز به‌تعبیر شهید صدر، به منطقه‌الفراغ اختصاص دارد (صدر، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴۲) که بشر در دوره‌های مختلف با توجه به منابع معرفتی اسلام و با استفاده از تجارب و بنای عقلا و علوم روز، آن را پیوسته پردازش، بازخوانی و بازسازی می‌کند.

۶. ملاحظات عملی نظام‌پردازی در حوزه روابط بین‌الملل اسلامی

در حوزه روابط بین‌الملل باید با رویکرد عینی، پاره‌ای از ملاحظات عملی نظام‌پردازی در این حوزه را برای تحقق خارجی این نظامات نیز مورد بررسی قرار داد. در مسئله نظام‌سازی، نیازمند در نظر گرفتن ملاحظاتی برای تحقق نظامات در روابط بین‌الملل هستیم که در ادامه، برخی از مهم‌ترین آنها بررسی می‌شود.

۶-۱. ملاحظات در عرصه حاکمیت

حاکمیت در نظام اسلامی امری برآمده از آموزه‌ها، هنجارها و موازین دینی است؛ از همین رو مسائل مربوط به حاکمیت در نظام روابط بین‌الملل را نیز باید از متون دینی استنباط کرد. در این خصوص می‌توان به مباحث متعددی ورود کرد.

۶-۱-۱. مشروعیت «قدرت» در روابط بین‌الملل

حاکمیت در ادبیات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به قدرت برتر برای بالاترین مرجع قانون‌گذاری در یک سرزمین معین تعریف شده است (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۸۱). بر این اساس، قدرت به‌عنوان ابزار و یکی از الزامات برای حاکمیت تلقی می‌شود.

از مهم‌ترین حوزه‌های کاربرد قدرت، عرصه بین‌الملل است؛ به‌گونه‌ای که نظام بین‌الملل را می‌توان نهادی حاصل از نبرد و تعامل قدرت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی جهان توصیف کرد. هر دولت و ملتی در برای استمرار حیات خویش در جامعه جهانی و برقراری رابطه کارآمد با سایر دولت‌ها باید سطح مؤثری از قدرت را دارا باشد. در اندیشه اسلامی، کسب قدرت در عرصه بین‌الملل دارای اهمیت فراوانی است، اما این مهم برای تحقق اهداف صرفاً مادی و دنیاطلبانه، مانند تصاحب سرزمین و اموال دیگران، و رسیدن به سایر اهداف استکباری نیست، بلکه هدف اصلی از کسب قدرت، دفاع از حق و مبارزه با دشمنان خداست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۲۵). اسلام خواهان قدرت مشروع جوامع برای مقابله با نظام سلطه و از میان رفتن زمینه‌های آن است (مطهری، ۱۳۶۷، ص ۲۷۰).

۱-۲. ۶. نفی حاکمیت نامشروع (نظام سلطه) در روابط بین‌الملل

مشروع یا نامشروع بودن قدرت و حاکمیت، به چگونگی اعمال و به‌کارگیری آن بستگی دارد. نظام سلطه یکی از جلوه‌های حاکمیت نامشروع در روابط بین‌الملل است. در مقاطع مختلف تاریخی، نظام بین‌الملل در حاکمیت نظام سلطه و تحت تأثیر مستقیم ساختارها و تعاملات سلطه‌جویانه قدرت‌های استکباری قرار داشته است. در اندیشه اسلامی، پذیرش حاکمیت و سلطه استکبار بر جوامع بشری نفی و بر مبارزه با سلطه آنان تأکید شده است (ممتحنه: ۱ و ۹؛ توبه: ۷۳).

۱-۳. ۶. الگوی حاکمیت مشروع در روابط بین‌الملل اسلامی

حاکمیت مشروع در روابط بین‌الملل اسلامی در دوره‌های مختلف می‌تواند ساختاری متفاوت داشته باشد، اما به‌لحاظ میانی، در همه زمان‌ها بر اصول ثابت و میانی مشترک استوار است. در اندیشه اسلامی، حاکمیت مبتنی بر ظلم و استبداد و تحمیل سلطه بر مردم، حاکمیتی فاسد و نامشروع است (قصص: ۴). بنابراین حاکمیت نظام سلطه بین‌المللی پذیرفته نیست. در اسلام حاکمیتی مشروع است که با رضایت الهی و مقبولیت مردمی همراه باشد. الگوی چنین حاکمیتی را از نگاه قرآن کریم می‌توان در دولت مطلوب پیامبر اسلام ﷺ معرفی کرد (احزاب: ۲۱).

۲-۲. ۶. ملاحظات در عرصه حکومت

با توجه به آنکه حکومت در نظام اسلامی امری برآمده از هنجارها و موازین دینی است، مسائل مربوط به حکومت و عناصر و مؤلفه‌های آن در نظام روابط بین‌الملل را نیز باید از متون دینی استنباط کرد. درباره ساختار حکومت و عاملان و کارگزاران آن و نحوه تعامل حکومت‌ها با یکدیگر در نظام روابط بین‌الملل، موضوعات متعددی جهت پژوهش قابل طرح است.

۱-۲. ۶. ساختار حکومتی در نظام روابط بین‌الملل

ساختار حکومتی در روابط بین‌الملل ناظر به بُعد شکلی و صوری آن در قالب یک سیستم بین‌المللی است. این ساختار که توسط کارگزاران بین‌المللی ساخته می‌شود، با توجه به شرایط و فرایندهای بین‌المللی، همواره در معرض تغییر و تحول است. در رویکرد سیستمی به روابط بین‌الملل براساس دیدگاه مورتن کاپلان، این ساختار به‌صورت مجموعه‌ای از روابط متقابل میان اجزای یک سیستم در نظر گرفته می‌شود. کاپلان از شش نظام فرضی در سطح بین‌الملل نام می‌برد که در هریک از نظام‌های شش‌گانه، ساختار حکومتی مخصوص به همان نظام متصور است: ۱. نظام موازنه قدرت؛ ۲. نظام دوقطبی منعطف؛ ۳. نظام دوقطبی متصلب؛ ۴. نظام عالم‌گیر؛ ۵. نظام سلسله‌مراتبی؛ ۶. نظام دارای حق وتو (تئودور و کولومبیس، ۱۹۸۶، ص ۵۰-۵۸). کاپلان دو نظام اولی را واقعی و دارای شواهد تاریخی، و چهار نظام دیگر را فرضی می‌داند.

۲-۲. ۶. الگوی مطلوب حکومت در نظام بین‌الملل

بسیاری از نظریه‌پردازان تحقق نظم مطلوب جهانی و حاکمیت صلح و آرامش پایدار در جهان را در گرو حذف مرزهای ملی و تشکیل حکومت واحد جهانی دانسته‌اند. از دیدگاه طرفداران حکومت واحد جهانی، ناسیونالیسم، حس وطن‌خواهی و تعلق به خاک و سرزمین خاص با مرزهای تعیین‌شده، ریشه غالب جنگ‌ها و ناامنی‌ها در عرصه روابط بین‌الملل است. ویژگی تفکرات ناسیونالیستی، بیگانه‌ستیزی و احساس تفاوت میان خود و دیگر ملت‌هاست. از این‌رو از

دیدگاه این نظریه‌پردازان، تنها راه چاره حذف مرزهای ملی و نظام دولت‌های با حاکمیت ملی مستقل و جایگزینی آن با حکومت جهانی است. همان‌طور که دولت‌های ملی در عرصه سیاست‌گذاری داخلی با وضع قوانینی مشخص و یکدست و اطاعت مردم، نظم و امنیت را حفظ می‌کنند، با حاکمیت یک دولت واحد جهانی و وضع مقررات و قوانین الزام‌آور یکدست برای همه ملت‌ها و سرزمین‌ها نیز بهتر می‌توان صلح و ثبات و امنیت را در جهان مستقر کرد. در این شرایط، منافع ملی خاصی وجود ندارد تا به تشدید کشمکش‌های بین‌المللی منجر شود، بلکه به‌دلیل وجود منافع عام و همگانی در دولت جهانی، تقسیم عادلانه رفاه و امنیت برای تمامی جهانیان فراهم شده، از این رهگذر زمینه‌ها و محمل‌های مخاصمات از بین خواهد رفت (بوتول، ۱۳۶۸، ص ۳۳).

امروزه با گسترش پایداری به قوانین بین‌المللی و تضعیف حاکمیت‌های ملی در چهارچوب مرزهای مشخص‌شده کشورها، نظام بین‌الملل را می‌توان در قالب یک دولت جهانی یا کلان‌نظام بین‌المللی به‌عنوان یک کلیت واحد در نظر گرفت. در ادبیات سیاسی، دولت ملی یا ملت - دولت (Nation-State) یا با نام عمومی‌تر آن، «کشور» که نوع خاصی از دولت ویژه جهان مدرن است، از چهار عنصر شکل گرفته است: ۱. سرزمین؛ ۲. جمعیت؛ ۳. حاکمیت؛ ۴. حکومت (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۳۴۱؛ نقیب‌زاده، ۱۳۸۸). این چهار عنصر را می‌توان در قالب جهانی و بین‌المللی تعریف کرد. در این قالب، «جمعیت» و «سرزمین» انسان‌های ساکن کره زمین را شامل می‌شود؛ «حاکمیت» که در قالب دولت - ملت به‌معنای سیطره دولت در سراسر محدوده سرزمینی و مشروع بودن استفاده از زور برای اعمال قوانین است، امروزه می‌تواند در ذیل قوانین بین‌المللی مطرح شود. «حکومت» نیز به‌معنای گروهی از افراد که در چهارچوب دیوان‌سالاری، دولت را در محدوده سرزمینی مشخص اداره می‌کنند، می‌تواند در قالب یک حکومت جهانی طرح شود.

رویکرد فوق به نظام بین‌الملل سبب شده است که امروز مفهوم کشورها و مرزها به‌صورت واقعی مطرح نباشد؛ زیرا سخن از یک مجموعه بزرگ بین‌المللی یا کلان‌نظام بین‌المللی در میان است که اعضای آن پیوندی تنگاتنگ و بسیار مرتبط با یکدیگر دارند و از تعاملات و تجارب گوناگون یکدیگر در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... بهره می‌برند. امروزه این پیوندها و ارتباطات با گسترش فناوری و در پرتو ابزارها و توانایی‌های بسیار مدرن و پیشرفته، که با فراگیری رسانه‌های جمعی گسترش بیشتری نیز یافته است، دیگر محالی برای بشر جهت کناره‌گیری از خانواده بین‌المللی باقی نگذاشته است. چنین رویکردی قابل تطبیق با اندیشه اسلامی نیز هست. حکومت مورد نظر اسلام از چنان ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند امکان زیست مشترک جهانی انسان‌ها را به‌صورت مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر فراهم سازد؛ چنان‌که قرآن کریم همه انسان‌ها را در ابتدا امت واحده‌ای توصیف می‌کند که از یک مرد و زن آفریده شده‌اند و سپس خداوند آنها را برای شناخته شدن در قالب گروه‌ها و نژادهای مختلف در کنار هم قرار داد (حجرات: ۱۳).

۳-۲-۶. کارگزاران نظام بین‌الملل

در رویکرد سیستمی به نظام روابط بین‌الملل براساس دیدگاه مورتن کاپلان، که به‌صورت مجموعه‌ای از روابط متقابل میان اجزای یک سیستم در نظر گرفته می‌شود (تئودور و کولومبیس، ۱۹۸۶، ص ۵۰-۵۸)، ساختار

حکومتی در روابط بین‌الملل در سطوح منطقه‌ای و جهانی را می‌توان برحسب نحوه توزیع قدرت میان کارگزاران و بازیگران نظام بین‌الملل مورد مطالعه و بررسی قرار داد. بر این اساس، ساختار نظام بین‌الملل با توجه به جایگاه و عملکرد کارگزاران نظام بین‌الملل به صورت تک‌قطبی، دوقطبی یا چندقطبی با ویژگی‌های مخصوص به هر قطب پدید می‌آید. رویکردهای غیردینی با محوریت کارگزاران، برخلاف بینش اسلامی مبتنی بر روش فردگرایی و اومانیستی است که در آن، توضیحات اساسی پدیده‌های اجتماعی صرفاً بر مبنای عقاید و اهداف افراد تبیین می‌شوند (مارش و استوکر، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴؛ لیتل، ۱۳۹۲، ص ۳۱۲).

۴-۲-۶. روابط خارجی حکومت‌ها با یکدیگر در نظام روابط بین‌الملل اسلامی

اسلام ارتباط دولت اسلامی را با دولت‌های غیرمسلمان براساس منطق فطرت و اشتراکات عقیدتی پذیرفته و بر آن تأکید کرده است (آل‌عمران: ۶۴). خداوند به مسلمانان اجازه می‌دهد با غیرمسلمانانی که درصدد دشمنی با مسلمانان نیستند، ارتباط دوستانه و عادلانه برقرار کنند (ممتحنه: ۸). از این رو اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز دولت را موظف کرده است که در مورد افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نماید و حقوق انسانی آنان را رعایت کند.

در مجموع، از دیدگاه اسلام، روابط ملت‌ها و حکومت‌ها با یکدیگر بر مبنای قواعد زیر بنیان نهاده شده است:

الف) روابط حکومت‌های اسلامی با یکدیگر

در منابع اسلامی، روابط حکومت‌های اسلامی با یکدیگر دوستانه و برادرانه است. از این رو آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به سیره پیامبر ﷺ، رابطه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اسلامی را دوستانه و برادرانه توصیف می‌فرماید (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۷/۲۸).

ب) روابط حکومت‌های اسلامی با حکومت‌های غیراسلامی

مطالعه و بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد که روابط حکومت‌های اسلامی با غیراسلامی به صورت یکدست نیست. این روابط را با توجه به مواضع و عملکرد حکومت‌های غیراسلامی می‌توان در قالب دو گروه از یکدیگر متمایز کرد:

گروه اول، حکومت‌های غیراسلامی غیرمتخاصم است. رابطه حکومت اسلامی با این دسته از حکومت‌ها با تکیه بر اصول مشترک به‌طور مسالمت‌آمیز تعریف شده است. خداوند خطاب به پیامبرش درباره رابطه با اهل کتاب می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» (آل‌عمران: ۶۴)؛ به اهل کتاب بگو: بیایید به اصول مشترک برای روابط بین ما و شما عمل کنیم. از نظر اسلام، همه پیروان ادیان آسمانی امت واحدند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیا: ۹۲). در روابط بین‌الملل، همواره اصول و مسائل مشترک میان کشورهای اسلامی و کشورهای غیراسلامی غیرمتخاصم وجود دارد که بر اساس آن می‌توان رابطه‌ای سالم و عادلانه برقرار کرد. قرآن کریم خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخَرِّجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ» (ممتحنه: ۸)؛ خداوند شما را از نیکی کردن و عدالت ورزیدن با آنان که با شما در دین

ن جنگیده‌اند و شما را از سرزمینتان بیرون نرانده‌اند، باز نمی‌دارد. بر این اساس، نظام جمهوری اسلامی ایران که پس از پیروزی دینی‌ترین و درعین‌حال مردمی‌ترین انقلاب معاصر، مبنای تعامل خود با جهان خارج را بر پایه آموزه‌های جهانی اسلام قرار داده است، در خصوص چگونگی رابطه با کشورهای جهان، آن را بر مبنای «احترام متقابل» و «عدم ظلم» تعیین کرد (خمینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۱):

گروه دوم، حکومت‌های غیراسلامی متخاصم است. در اندیشه اسلامی، روابط حکومت اسلامی با حکومت‌های غیراسلامی متخاصم به صورت دوستانه و مسالمت‌آمیز نیست. در ارتباط با این حکومت‌ها، اصل بر اعلام براءت و بی‌زاری است. آیات ابتدایی سوره مبارکه توبه، که درباره اعلام براءت از مشرکین است، شامل مشرکان متخاصم و پیمان‌شکن می‌باشد (توبه: ۱-۳). قرآن کریم با عدم پذیرش ارتباط دوستانه میان مسلمانان و غیرمسلمانان متخاصم می‌فرماید: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَوَلَّيْكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه: ۹)؛ به درستی که خداوند شما را از دوستی ورزیدن با کسانی که با شما در دین جنگیده‌اند و شما را از سرزمین خود بیرون رانده‌اند یا در بیرون راندن شما همدستی کرده‌اند، بازمی‌دارد. هر که با آنان دوستی ورزد، از ستمکاران خواهد بود.

خداوند در آیه‌ای دیگر پیامد دوستی با این گروه از دشمنان را به رنج و تعب افتادن مسلمانان می‌داند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَقْوَاسِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (آل عمران: ۱۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بیگانگان را دوست و همراز مسلمانان مگیرید. آنان از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. دوست دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است و آنچه سینه‌هایشان پنهان می‌دارد، بزرگ‌تر است. در حقیقت، ما نشانه‌های دشمنی آنان را برای شما بیان کردیم؛ اگر تفکر می‌کردید.

حکومت اسلامی در برابر حکومت‌های متخاصم موظف به ایستادگی و مقاومت و نفی سلطه آنان است (نساء: ۱۴۱).

۳-۶. ملاحظات در عرصه حکمرانی

از مهم‌ترین ملاحظات و مسائل نظام‌پردازی در عرصه حکمرانی اسلامی در روابط بین‌الملل، توجه به اصول و مبانی دینی حکمرانی جهانی است. مبانی و اصول روابط بین‌الملل اسلامی برگرفته از متون دینی و احکام و قوانین الهی است که در تمام عرصه‌های زندگی بشر دارای حکمت و ناظر به مصالح و مفاسد انسان‌هاست. خداوند با احاطه به تمام جوانب زندگی بشر و نیازهای او، احکام و قوانینی برای انسان‌ها در تمام مکان‌ها و زمان‌ها قرار داده است که عمل به آنها به مصلحت انسان و موجب دفع مفاسد فردی و اجتماعی خواهد بود. هر نظام سیاسی در عرصه اجرا و حکمرانی نیازمند به قوانین است، اما قوانین حکمرانی اسلامی، از یک‌سو مبتنی بر مبانی برآمده از دین و معرفت دینی است و از سوی دیگر برای اجرا، به همراهی و پذیرش مردم وابسته است. توجه به این مهم در سطح کلان حکمرانی و روابط بین‌الملل، دارای اهمیت و مصلحت بیشتری است. بشر برای تحقق این مصالح

در سطح بین‌المللی نیز نیازمند شکل‌گیری نظاماتی است که زمینه عمل به قوانین الهی و تأمین مصالح بشری را فراهم سازد. با مطالعه و بررسی متون دینی می‌توان برای نظام حکمرانی اسلامی در حوزه روابط بین‌الملل و موفقیت عملی آن، مسائل و ملاحظات را تعیین کرد. برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱-۳-۶. حکمرانی براساس فطرت بشری

فطرت انسانی او را به زندگی اجتماعی سوق داده است تا در کنار هم‌نوع خویش، نیازهای خود را تأمین کند. از سوی دیگر، اسلام آیین مطابق فطرت و سازگار با سرشت انسانی است (روم: ۳۰). احکام اسلام برای تأمین نیازهای حقیقی انسان‌ها وضع شده است؛ از این‌رو در اسلام بر احکام عبادی جمعی، مانند حج، نماز جماعت و سایر احکام و عبادات جمعی تأکید شده و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، از هر نژاد و کیشی، در قالب «تعاون در کار خیر و نیک» مورد تشویق قرار گرفته است (مائده: ۲). اقتضای فطری بودن دین اسلام (روم: ۳۰)، در کنار ضرورت جاودانگی (حجر: ۹) و جهان شمولی (قلم: ۵۲؛ ص: ۸۷؛ تکویر: ۲۷) این دین آسمانی که اختصاص آن را به قوم یا منطقه خاص منتفی دانسته، این است که حکمرانی جهانی اسلام نیز بر مبنای فطرت می‌باشد.

رویکرد اسلام به حکمرانی بین‌المللی را می‌توان در قالب راهبرد «دعوت» توضیح داد. اسلام با دعوت از انسان‌ها به پذیرش حق، از راهبرد «دعوت» برای آگاه‌سازی و رهایی‌بخشی ملت‌ها و از میان بردن عوامل استکبار و آثار آن بهره‌می‌برد و از اندیشه تشکیل حکومت جهانی واحد و تأسیس یک نهاد عادلانه حقوقی بین‌المللی دفاع می‌کند. در این شرایط، زمینه برای اجرای طرح آرمانی اسلام، یعنی حکمرانی عادلانه جهانی و تشکیل امت همگون و شایسته، فراهم می‌شود.

۲-۳-۶. حکمرانی بر مبنای عدالت

از دیدگاه اسلام، عدالت یکی از اصول مهم در روابط اجتماعی انسان‌هاست. از این‌رو اسلام با هرگونه سلطه‌جویی و ستمکاری در صحنه روابط اجتماعی انسان‌ها و به تبع آن در روابط بین‌الملل، مخالف است. امروزه صحنه روابط بین‌الملل به محلی برای برتری‌طلبی قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است؛ موضوعی که به ایجاد و استقرار ظلم در نظام بین‌الملل انجامیده است؛ درحالی که احکام اسلام به‌صراحت با این وضعیت مخالفت کرده و بر مقابله با ظالم و حمایت از مظلوم در هر نقطه از عالم تأکید نموده است. از دیدگاه اسلام، مسلمانان حق ندارند حتی در برابر دشمنان خود به ظلم و بی‌عدالتی روی آورند: «لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَغْلِبُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»؛ (مائده: ۸)؛ دشمنی با گروهی دیگر، وادارتان نکند که عدالت نورزید. عدالت ورزید که به تقوا نزدیک‌تر است. بنابراین از دیدگاه اسلام، گسترش عدل در روابط میان افراد، نژادها و گروه‌ها، از اصول بنیادین به‌شمار می‌رود. اصول عدالت در اسلام، جهانی است و اسلام هیچ یک از حد و مرزها و فاصله‌های ساختگی توسط زمامداران و قدرت‌های بین‌المللی را به رسمیت نمی‌شناسد؛ زیرا در اسلام عدالت در همه سطوح، هم در روابط فردی و گروهی و هم در روابط بین‌الملل، گسترش دارد. بر این اساس، ذیل حکمرانی جهانی اسلام عدالت در روابط بین‌الملل، که از ضروریات و نیازهای نظام جهانی امروزی است، گسترش خواهد یافت.

امروزه یکی از مهم‌ترین اهرم‌هایی که توسط دشمنان اسلام برای ایجاد بدبینی به آموزه‌های اسلامی و جلوگیری از گسترش آن در مناطق مختلف جهان تبلیغ می‌شود، معرفی اسلام به جهانیان به‌عنوان دین جنگ و خشونت است؛ درحالی‌که ماهیت دین اسلام، رحمت، سلم و صلح و احترام به همه انسان‌ها با دیدگاه‌های متفاوت است. در اندیشه اسلامی، اهانت انسان‌ها به اعتقادات و ارزش‌های مورد قبول یکدیگر ممنوع است و خداوند مسلمانان را از بی‌احترامی به اعتقادات غیرمسلمانان نهی کرده است؛ زیرا از دیدگاه قرآن کریم، این عمل موجب گسترش اهانت به همه اعتقادات و مقدسات خواهد شد: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۰۸)؛ هیچ‌گاه بت‌ها و معبودهای مشرکان را دشنام ندهید؛ زیرا این عمل سبب می‌شود که آنها نیز در مورد ساحت قدس خداوند همین کار را از روی ظلم و ستم و جهل و نادانی انجام دهند.

در حکمرانی اسلامی بر روابط مسالمت‌آمیز و عادلانه همه ملت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر تأکید شده است؛ تا آنجا که خداوند مسلمانان را از نیکی و عدالت ورزیدن به کفار غیرمحراب منع نکرده است (ممتحنه: ۸). در اندیشه اسلامی، مبارزه و جنگ تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای مقاومت در برابر دشمنان و دفع ظلم و تجاوز و به‌هدف تأدیب مفسدین ضروری است؛ از این رو قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ صَوَامِعُ وَبِيعَ وَصَلَوَاتُ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج: ۴۰)؛ هرگاه خدا گروهی از اقوام بشری را به‌وسیله گروه دیگر دفع نمی‌کرد، بی‌گمان معابد و مساجدی که محل ذکر و عبادت خداست، توسط آن متجاوزان ویران می‌شد. همچنین می‌فرماید: «وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ» (بقره: ۲۵۱)؛ هرگاه خدا خطر گروهی از اقوام بشری را به‌وسیله اقوام دیگر برطرف نمی‌کرد، فساد زمین را فرامی‌گرفت، ولی خدا نسبت به مردم جهان بر سر فضل و احسان است.

بر این اساس می‌توان گفت که در حکمرانی اسلامی، گرچه جنگ و مبارزه پذیرفته شده، اما خشونت به‌عنوان یک اصالت نفی شده است؛ زیرا در فلسفه سیاسی اسلام مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف، هدایت، تکامل و تعالی اخلاقی انسان‌هاست و این امر با اصالت خشونت سازگار نیست. همچنین در حکمرانی اسلامی، امنیت جامعه، به‌ویژه امنیت معنوی و اخلاقی، مورد تأکید است. از دیدگاه اسلام، گسترش امنیت در سطوح مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در روابط بین‌الملل بسیار حائز اهمیت است. در این میان، امنیت معنوی و اخلاقی انسان‌ها به‌طور ویژه از اهمیت بیشتری برخوردار است و زمینه حفظ امنیت در سایر حوزه‌ها شمرده می‌شود. از این رو بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی، امام خمینی^ع، نامی اخلاقی و معنوی را زمینه سقوط همه انسان‌های عالم می‌دانست. از دیدگاه ایشان، نامنی اخلاقی و معنوی بشریت امروز، نامنی در سایر زمینه‌ها، از جمله گسترش جنگ و خونریزی و نظامیگری را برای بشریت به‌ارمغان آورده است:

آن چیزی که دارد این سیاره ما را در سراسیمگی انحطاط قرار می‌دهد، انحراف اخلاقی است. اگر انحراف اخلاقی نباشد، هیچ‌یک از این سلاح‌های جنگی به حال بشر ضرر ندارد. آن چیزی که دارد این انسان‌ها را و این کشورها را رو به هلاکت و رو به انحطاط می‌کشانند، این انحطاط‌هایی است که در سران کشورها و این حکومت‌ها، از انحطاط اخلاقی، دارد تحقق پیدا می‌کند و همه بشر را دارد سوق می‌دهد به سراسیمگی انحطاط؛ و نمی‌دانیم که عاقبت امر این بشر چه خواهد شد (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶، ص ۱۶۱).

۴-۳-۶. حکمرانی براساس اشتراکات انسانی

امروزه اشتراکات زبانی، قومی، عقیدتی و... در زمره بهترین ابزارهای دیپلماسی در روابط بین‌الملل و حکمرانی جهانی شمرده می‌شود. اصل اولی از منظر قرآن کریم، تأکید بر ارتباط همه ملت‌ها با یکدیگر براساس اصول مشترک است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران: ۶۴)؛ بگو ای اهل کتاب! بیایید از آن کلمه‌ای که مورد پذیرش ما و شماست، پیروی کنیم؛ آنکه جز خدای را نپرستیم و هیچ چیز را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی دیگر را سوای خدا، به پرستش نگیرد. امروزه براساس این اصل دینی، در قالب حکمرانی بین‌المللی می‌توان روابط مسالمت‌آمیز با گروه‌ها و کشورهای مختلف برقرار کرد.

۵-۳-۶. حکمرانی براساس احترام به تعهدات بین‌المللی

احترام به عهد و پیمان و پایبندی به آن از مهم‌ترین اصول در روابط بین‌الملل و حکمرانی اسلامی است. آیات متعددی در قرآن کریم درباره وفا به عهد و عمل کردن به پیمان میان انسان‌ها و دولت‌ها نازل شده و این اصل به‌عنوان عنصری مهم در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل اسلامی دانسته شده است. خداوند درباره اهمیت و ضرورت وفا به عهد می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَقَضَتْ غَزْلَهُمْ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَارًا تَتَخَذُونَ آيْمَانَكُمْ دَخَالًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» (نحل: ۹۱-۹۲)؛ و چون با خدا پیمان بستید، به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید؛ با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده اید؛ زیرا خدا آنچه را انجام می‌دهید، می‌داند. و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن، [یکی یکی] از هم می‌گسست، مباشید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله [فریب و] تقلب سازید؛ [به خیال این] که گروهی از گروه دیگر [در داشتن امکانات] افزون‌ترند. جز این نیست که خدا شما را بدین وسیله می‌آزماید و روز قیامت در آنچه اختلاف می‌کردید، قطعاً برای شما توضیح خواهد داد.

براساس آیات یادشده، قرآن کریم عهد میان انسان‌ها را در حقیقت، عهد با خدا و وسیله آزمایش انسان‌ها دانسته و خداوند را گواه و ضامن آن قرار داده است؛ از این رو تأکید می‌کند که احساس قدرت و برتری، شما را به عهدشکنی با یکدیگر سوق ندهد. در آیات بعد، ضمن تأکید مجدد بر وفا به عهد به‌عنوان «عهدالله» می‌فرماید:

«وَلَا تَتَّخِذُوا آيْمَانَكُمْ دَخَالًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمُ بَعْدِ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (نحل: ۹۴-۹۵)؛ پیمانی را که میان خود منعقد می‌کنید، وسیله خدعه و نیرنگ مسازید تا گامی بعد از استواری‌اش بلغزد و شما به [سزای] آنکه [مردم را] از راه خدا بازداشته‌اید، دچار عذاب شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد؛ و پیمان خدا را به بهای ناچیزی مفروشید؛ زیرا آنچه نزد خداست، اگر بدانید، همان برای شما بهتر است.

بر این اساس، می‌توان گفت که در حکمرانی اسلامی، پیروی از نظام حقوقی مبتنی بر عرف و قراردادهای بین‌المللی، در صورتی که بر پایه اصل برابری، حق و عدالت و احترام متقابل تدوین یافته باشد، لازم شمرده می‌شود. در این وضعیت، بر پایه حکمرانی اسلامی، اصول تفاهم بین‌المللی به معنای تکیه بر قدرمشترک‌ها و اصول موضوعه، مشارکت و تعاون در مسائل بین‌المللی، برابری دولت‌ها در استیفای حق آزادی، استقلال و حاکمیت، عدم توسل به زور و نفی تجاوز، حمایت از مبارزات حق طلبانه و جنبش‌های رهایی‌بخش، پابندی به قراردادهای بین‌المللی و حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی، مبنای روابط صلح‌آمیز میان دولت‌ها و ملت‌هاست (عمید زنجانی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۵۰۸-۴۲۶).

نتیجه‌گیری

نظام‌پردازی و تدوین الگویی نظام‌مند از روابط بین‌الملل اسلامی از ضرورت‌های جهان اسلام، به‌ویژه در عصر جدید، به‌شمار می‌آید. امروزه به دلیل خاتمیت و جامعیت دین اسلام و نیز گسترش نیازهای عصر جدید، زمینه ورود محققان اسلامی به بحث نظام‌مندی احکام و آموزه‌های اسلامی در حوزه روابط بین‌الملل مطابق معیارهای علمی این حوزه گسترش یافته است. نظام روابط بین‌الملل در اندیشه اسلامی به‌عنوان بخشی از نظام معرفتی اسلام و یکی از نظام‌های رفتاری در منظومه نظام‌های اسلامی، دارای چهارچوبی نظام‌مند و با ضوابطی خاص در راستای تحقق اهداف شریعت و مبتنی بر نظام بینش‌ها و سنت‌های الهی است. این ضوابط در حوزه روابط بین‌الملل نحوه تعامل با ملت‌ها و کشورهای جهان - اعم از اسلامی و غیراسلامی - را براساس مبانی دین اسلام و مسائل مربوط به آن مشخص می‌سازد.

دستورهای الهی در تمام عرصه‌های زندگی بشر دارای حکمت بوده و ناظر به مصالح و مفاسد تمام انسان‌هاست. خداوند با احاطه به تمام جوانب زندگی بشر و نیازهای او، احکامی برای وی قرار داده است که عمل به آنها به‌مصلحت انسان و موجب دفع مفاسد فردی و اجتماعی در تمام سطوح خواهد بود. نتایج این وضعیت در سطح کلان و در عرصه روابط بین‌الملل دارای اهمیت بیشتری است. از این‌رو بشر برای تأمین این مصالح در سطح بین‌المللی نیز نیازمند نظاماتی است که زمینه عمل به دستورهای الهی را فراهم سازد؛ نظاماتی که بر پایه آموزه‌های وحیانی بنا شده و متفاوت با سایر نظام‌های موجود در روابط بین‌الملل باشد.

منابع

- ابن‌فارس، احمدبن فارس، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- احمدی میانجی، علی، ۱۴۱۹ق، *مکاتیب الرسول*، طهران، دارالحدیث الثقافیه.
- بوزار، مارسل، ۱۳۶۹، *اسلام و جهان امروز*، ترجمه مسعود محمد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بوتول، گاستون، ۱۳۶۸، *جامعه‌شناسی جنگ*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- تیلیش، پل، ۱۳۸۱، *الهیات سیستماتیک*، ترجمه حسین نوروزی، تهران، حکمت.
- جانز، آتونی اچ و نلی لاهود، ۱۳۸۹، *اسلام و سیاست بین‌الملل*، ترجمه رضا سیمبر، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- خانم‌های، سیدعلی، ۱۳۶۸/۷/۲۸، *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران*، <https://khl.ink/f/2207>.
- دال، رابرت، ۱۳۶۴، *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*، ترجمه حسین ظفریان، تهران، مترجم.
- رشاد، علی‌اکبر، ۱۳۹۹، «فرایند نظام‌سازی اسلامی با تأکید بر نظام سیاسی»، *فقه و سیاست*، ش ۲، ص ۳۱-۷.
- سیمبر، رضا و ارسلان قربانی شیخ‌نشین، ۱۳۸۹، *اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل رهیافت‌ها و رویکردها*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۹۳، *اقتصاد ما*، ترجمه ابوالقاسم حسینی ژرفا، قم، پژوهشگاه شهید صدر.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ عمید*، سرپرست تألیف و ویرایش، فرهاد قربان‌زاده، تهران، اشجع.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۷، *فقه سیاسی (حقوق بین‌الملل اسلام)*، تهران، امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل‌بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب‌العین*، قم، دارالهیجره.
- فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۱۴ق، *المصباح المنیر*، قم، دارالهیجره.
- گیدنز، آتونی، ۱۳۸۴، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- لیتل، دانیل، ۱۳۹۲، *تبیین در علوم اجتماعی، درآمدی به فلسفه علم اجتماع*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- مارش، دیوید و جری استوکر، ۱۳۷۸، *روئس و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۲، *عدل الهی*، تهران، صدرا.
- _____، ۱۳۶۷، *انسان کامل*، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۱-۱۳۶۹، *صحیفه نور؛ مجموعه رهنمودهای امام خمینی علیه السلام*، تهران، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- _____، ۱۳۷۹، *صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- نقیب‌زاده، احمد، ۱۳۸۸، *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل*، تهران، قومس.
- وست چرچمن، چارلز، ۱۳۶۹، *نظریه سیستم‌ها*، ترجمه رشید اصلانی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- هانسون، اریک او، ۱۳۸۹، *دین و سیاست در نظام بین‌الملل معاصر*، ترجمه ارسلان قربانی شیخ‌نشین، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- Buzan, Barry, & Little, Richard, 2000, *International Systems in World History: Remaking the Study of International Relations*, Oxford University Press.
- <https://dictionary.cambridge.org/pl/dictionary/english/system>
- <https://www.yourdictionary.com/system/websters>
- Theodore, A., & Coulombis, James, H. 1986, Wolfe, *Introduction to International Relations, power and, Justice*, New Delhi: Prentice, Hall, Znc.